

امارت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

برای صنف دوم



مؤلف: عبدالواحد قادری

سال: ۱۳۷۸

قرائت درسی

تجدید نظر: توسط کمیسیون مشترک وزارت و مرکز تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما برای معلم

- ۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را باخود داشته باشد.
- ۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که دراین مورد دقت نماید.
- ۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.
- ۴- معلم صاحب باید بالباس پاک داخل صنف شود.
- ۵- برای معلم لازم است تادر وقت داخل شدن به صنف سلام بکرید.
- ۶- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحيم بگوید.
- ۷- معلم صاحب باید بادر نظرداشت مقوله «كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.
- ۸- معلم صاحب برای تدریس خوبتر فضای مساعد را درصنف آماده سازد.
- ۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.
- ۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.
- ۱۱- معلم صاحب باید وظیفه خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و

- ۱۲- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.
- ۱۴- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید .
- ۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید .
- ۱۶- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.
- ۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد .
- ۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفه خانگی بدهد و آنرا ملاحظه و اصلاح نماید .
- ۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی " سنگ ریزه ها " گل، دانه جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارته‌ها، نقشه‌ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد .
- ۲۰- برای معلم محترم لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده استعداد سوال نمودن شاگردان پژمرده نگردد.
- ۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه‌های خود نقل و در آن حل نمایند .

ARIC

B

6421

MOE

2425



پروژه تعلیمی برای افغانستان
حق چاپ محفوظ است
طبع: مطبعه اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد

نام حق بر زبان هستی اینیم	که بجان و دیش هستی خوانیم
ملک و مصلحت قسم بدیم و حکیم	خالق و رازق در رؤف و رحیم
هر چه هست از بندگی کنی	همه زیادت صورتی
دار ما را کتاب تا خود نسیم	کرد ما را خطاب تا در نسیم
هر چه او گفت آن کنیم	طاعت او بجان کنیم
آنچه او گفت غیر از آن کرد	بست بودی بجز زیان کرد
روز و شب طالب قبولی ایم	پیر و امت رسول وی ایم

لغات	معنی	لغات	معنی
خالق :	سپید کننده	حمد :	شنا و صفت
رازق :	دوری میده	رؤف :	بسیار مهربان
زیان :	ضرر و خاره	رحیم :	رحم کننده

الله

الله جل جلاله، خالق و پدید کننده ما و تمام دنیا می باشد.
خداوند ما انسانهارا از یک پدر و مادر، حضرت آدم،
و بی بی حوا، پدید کرده است.

الله، به ما دست، پا، چشم، زبان و عقل داده است
تا او را عبادت کنیم و با او کسی را شریک نزنایم.
چیزهایی را که امر کرده است بجا آریم و از کارهاییکه ما را
منع کرده پرهیز نزنایم.

ما مسلمانان برای خوشنودی خداوند، عبادت می کنیم.

حضرت محمد

حضرت محمد در آخرین پیغمبر خدا، و رهبر است.

حضرت در شهر مکه مکرمه دنیا آمده است.
نام پدر حضرت محمد در عبدالله و نام مادرشان بی بی آمنه بود.

حضرت محمد در به عمر چهل سالگی از طرف خداوند پیغمبر شد.
و دین اسلام را به تمام جهان رسانید.

پس همه مردم راه راست و صداقت را نشان داد.
حضرت محمد در به عمر شصت و نه سالگی در شهر مدینه منوره وفات نمودند.
ما حضرت محمد در را از جان خود زیاده تر دوست داریم.

حضرت	معنی	تلفظ	معنی
جهان	دینا	رهبر	مردن
		وفات	

تعمیدین؛
شاعران سطر اول درس فوق را از روی کتاب بنویسند.

حضرت محمد در، در کجا به دنیا آمد؟
حضرت محمد در، به عمر چند سالگی پیغمبر شد؟
حضرت محمد در، در چند سالگی وفات نمود؟

قرآن شریف

قرآن شریف کتاب خداوند جل جلاله است.

قرآن کریم از طرف خداوند به واسطه حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.

قرآن کریم دارای سی پاره و یکصد و چارده سوره می باشد.
خداوند، در قرآن شریف به ما امر نموده است که تنها او را عبادت کنیم
و باید قرآن شریف را خوب یاد بگیریم همیشه تلاوت کنیم معنی آنرا
بدانیم و به آن عمل کنیم.

لغت	معنی	لغت	معنی
نازل	پایان فرستاده	پرستش	بنده گی، عبادت
تلاوت	خواندن قرآن کریم	جبرئیل	یکی از ملائکه بزرگ خداوند
جملات نامکمل زیر را در کتابچه های خود نوشته بعداً آنرا تکمیل نمایند:			
۱-	قرآن شریف کتاب	است.
۲-	قرآن کریم بواسطه	نازل شده است.
۳-	قرآن کریم	پاره است.

اسلام

دین ما اسلام است.

دین اسلام بهترین و کاملترین دین است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله مردم فرمودند:

« من به خوبی ای دنیا گرفت را بری شما آورده ام خدایا»

پس امر کرده است که مردم جهان را بدین اسلام دعوت کنم»

ما فکر مسلمان بشیم و از دین اسلام پیروی میکنیم.

الفیت
دعوت
مخبرین و طلب کردن
گفتند

جملات ذیل را سه مرتبه بنویسید.

- ۱- دین ما اسلام است.
- ۲- دین اسلام بهترین و کاملترین دین است.

امام اعظم «رحمة الله عليه»

- ۱- نام اصلی امام اعظم رحمه الله، نعمان و نام پدرش ثابت است.
- ۲- نام صاحب بابوحنيفة مشهور است.
- ۳- وطن آباائی امام صاحب افغانستان است.
- ۴- پاپرو مذہب امام اعظم رحمه الله هستیم.
- ۱۱م اعظم رحمه الله، در سال ۱۸۰ هجری در کوفه بدنیا آمد.
- ۱۸۰ هجری شجره بغداد وفات نمود.
- امام اعظم رحمه الله، یک شخص مجاهد، پرمیزگار و عالم بزرگ بود.
- امام صاحب علمای زیاد را تربیه نموده اند.

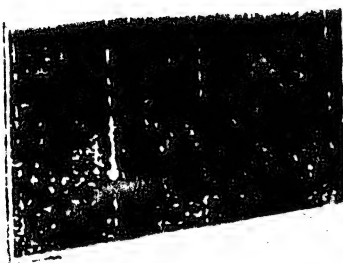
لغت	معنی	لغت	معنی
امام	پیشوا	اعظم	بزرگ
آباائی	پدری	بزرگ	معنی

جواب این سواها را بنویسید.

- ۱- مادر مذہب کی هستیم؟
- ۲- نام امام صاحب چیست؟
- ۳- امام صاحب در کدام سال بدنیا آمد.
- ۴- امام صاحب در کدام سال وفات.
- مسلم صاحب سنه هجری اربعه شاگردان توحیح نمایند.

پیام به شاگردان

شاگردان عزیز! امروز که شما از خوردا نید، فردا از بزرگان
مردم خود خواهید بود. میدانید که ما هم مثل شما در این صنف درس
می خواندیم، در پهلوی درها به تریه خود هم بسیار کوشش می کردیم.
پیش از داخل شدن به صنف پاپوش های خود را پاک می کردیم میز
چوکی و فرش صنف خود را پاک نمیکردیم. بمحض آن خود را دست
داشتیم و بعد که خود را کمک می نمودیم.



گفته های معلم صاحب را به گوشش بوش می شنیدیم . از کتب
 که رخصت می شدیم در راه با کس جنگ و جدال نمی کردیم و راسا
 بنحای خود میرفتیم . به کشتزار ، نهال ها و درخت های مردم
 ضرر نمی رساندیم . حیوانات را در راه آزار نمیدادیم . در راه به
 بزرگان سلام میدادیم . وقتی که داخل خانه خود می شدیم به
 خود و کلان سلام می گفتیم .

تمرین

از شاگردان پرسید ، شکر که قطره در صنف داخل میشوند ؟
 از شاگردان خواسته شد که به این در مورد پاک کردن پاوشش ، پاک بچه اشق
 صنف ، بکار می بایست صفا ، غرض از این سخن نظر خود را ارایه نمایند . معلم صاحب گفته های شانرا
 بالای تخته نوشتن آنرا نوشت بالای شاگردان قرائت نموده و در قدم دوم از شاگردان خواسته
 شد که نوشته زودی تحفه را در کتابچه های خود بنویسند .

شاگردان عزیز! در خانه لباس و کتابهای خود را
در جاهای معین می گذاشتیم، در وقت ناهان خوردن دست
های خود را، خود ما می شستیم، در دسترخوان بسیار با ادب
می نشستیم، برای اینکه خنده کنیم و غذا را به خوشی خورده باشیم
یکان فکاهی می گفتیم. اعضای خانواده خود را در کارهای
خانه کمک میکردیم. نماز را با جماعت ادا کرده قرآن شریف
را پیش قاری صاحب می خواندیم، در پاک نگه داشتن مسجد
توجه داشتیم به دروس و کارهای مکتب خود بسیار کوشش
می کردیم.

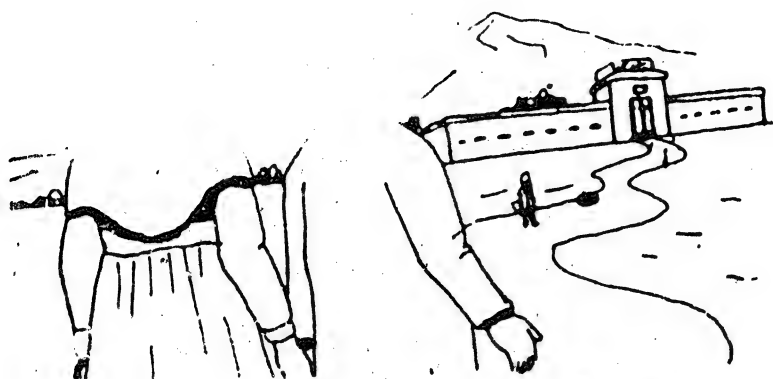
صنف های بلند را که به آخر رسانیدیم یک تعداد واکتر
عدا انجمن، برخی به مرور زمان وزیر و یک تعداد ما معلم و سر معلم
شدیم. پس شما اگر امروز به درس و کارهای مکتب خود
کوشش کنید، همین طور یک تعداد شما در آینده واکتر

عده انجمن، برخی رئیس و وزیر و شاید صدر اعظم و رئیس جمهور هم
 شوید. تعدادی از شما، مثل ما معلم خواهند شد. انسان در هر
 کاری که باشد، لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار
 صادق و یک شخص با معلومات و با مهارت باشد.
 تمام کارهای این وطن به شما سپرده میشود پس
 بر شما لازم است که امروز در تعلیم و آموختن کارهای نیکو
 بسیار کوشش کنید تا برای مردم و وطن خود یک خدمتکار
 فعال و صادق شوید.

لغات	معنی	لغات	معنی
مرد زمان	گذشت زمان	صادق	راستکار
کامل	پوره		
و این درس چه آموختید، بیان کنید.			

انسان در هر کاری که باشد لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار صادق و با مهارت باشد.
 جزئیات را به مرتبه در کتابچه های تان بنویسید.

مکتب



مکتب جای آموختن علم و ادب است. ما هر روز به
مکتب میرویم و یک ساعت درسی شروع میشود و صنف
های خود داخل میشوند پس اینکه معلم صاحب به صنف آمد
خود را با بسیار احترام به رهنمایی مالیش آماده ساخته به
سخن باری انگوش میزدیم.

در مکتب قرآن کریم، دینیات، خواندن، نوشتن، حساب
و غیره چیزهای مفید را می آموزیم.

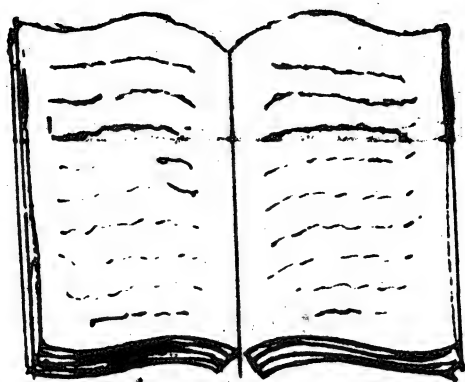
علم

ترقی و پیشرفت زندگی امروزه را که چشم می بینیم همه از برکت علم است که خداوند جمیع به انسان بخشیده است .
 - آموختن علم است که انسان را در دنیا و آخرت خوش بخت می سازد .
 - کسانیکه علم ندارند و خود و خدا را شناخته نمی توانند .
 - پیغمبر و حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند :
 طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است .

معنی	لغت	معنی	لغت
در چند آیه	فرض	با در سخن	آموختن
دانش	علم	خواستن	طلب
		پیشرفت	ترقی

شاگردان این مجلس را « طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است »
 را حفظ نموده در کتابهای خود بنویسید .

کتاب



ما کتاب های خود را بسیار دوست داریم. کتاب های ما راه
راست و کامیابی را بهمانشان می دهند.
بسیاری درس های کتاب های ما از آیات قرآن شریف
و احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرفته شده اند.
ما باید کتاب های خود را درست نگهداری کنیم.
و درس های آن را خوب یاد بگیریم تا در دنیا و آخرت سر بلند
و با عزت زندگی نماییم.

معلم صاحب معنی این کلمات را به شاگردان تفهیم نموده تکرار نمایند.

آیات احادیث عزت

شاگردان این سوال را جواب گفت یک یک بار بنویسند.

۱- کتاب های ما کدام راه را به ما نشان میدهند؟

۲- کتاب های خود را چگونه برداری کنیم؟

کتاب می گوید

من یار همه با نم	دانا و خوش بیانم
گویم سخن فزون	با آنکه بی زیانم
پندت هم فزون	من یار پسندانم
من دوست هنرم	با سود و بی زیانم
از من مباش غافل	من یار همه با نم

لغت	معنی	لغت	معنی
فراوان	بسیار	هنرمند	با هنر صاحب هنر
پند	نصیحت	غافل	بی خبر
سود	فایده		
زیان	ضرر		
خوش بیان	خوش نصیحت		

معلم

معلم صاحب شب و روز برای تعلیم و تربیه مازحمت
می کشد. هر روز پیش از شروع درس به صنف می آید.
و بعد از ادا ای سلام و احوال پرسی ما را نصیحت می کند.
معلم صاحب ما بسیار مهربانی کارهای خانگی ما را دیده به
درس جدید شروع می کند. بعد از آن سوال ما را رجعت
جواب می دهد. به ما کارهای خانگی میدهد.

ما هم معلم صاحب خود را مانند والدین خود دوست داریم و
او را احترام میکنیم همیشه به بدایت نیک شان رفتار می نمایم.

لغت	معنی	لغت	معنی
تعلیم	درس دادن	محبت	دوستی
زحمت	رنج دادن	والدین	پدر و مادر
جدید	نزد تازه	بدایت	راه نمایی

معلم صاحب شاگردان را طیفه و هدیه مازاجه این کس چیزی بر زبان خود از یا بخوبیندا
در تعلق و خطاب تشویق شوند و جرات پیدا کنند.

پدر و مادر

ما به پدر و مادر خود بسیار احترام داریم.
کسانی که به پدر و مادر احترام می‌کنند، خداوند جل جلاله از آنها
خوش می‌شود.

ما شاگردان گفتمه‌های نیک پدر و مادر خود گوش می‌دهیم.
پدر و مادر، ما را به کارهای خوب راهنمایی نموده و از کارهای
خراب منع می‌کنند.

ما هم تا زنده باشیم خدمت پدر و مادر خود را می‌کنیم.

لغت	معنی
احترام	عزت و قدر

نیک	خوب
-----	-----

شاگردان کلمات زیر را سه مرتبه بنویسند.

ما احترام پدر و مادر و خدمت آنها را بجای می‌آوریم

خانواده

پدر، مادر، برادران و خواهران که در یک خانه زندگی میکنند یک خانواده گفته میشود.

پدر و مادر بزرگان خانواده میباشند و برای اطفال شان خوراک و پوشاک تهیه می کنند و به آنها مهربانی دارند.
اطفال به بزرگان خود احترام میکنند و به گفته های پدر و مادر
رعایت میکنند. مادر کارهای خانه با همسر کمک می کنیم.
کوشش میکنیم که بزرگان خانواده از ما خوش باشند.

لغت	معنی
بزرگان	کلاهیست
حقیقت	دلوزی و مهربانی
تهیه	آباد

سئوالات:

- ۱- خانواده عبارت از کدام اشخاص میباشد؟
- ۲- مادر خانواده خود باید چه طور رفتار داشته باشیم؟

خانه ما

روزی پدر اشرف میزم و اشرف ترکاری با خود داشت
هر دو از سرزمین های سرسبز به طرف خانه می رفتند، در راه
چشم اشرف به خانه مورچه ها افتید و گفت: پدر جان! خانه
مورچه ها چقدر پاک است؟ پدر گفت: بلی اشرف جان!
مورچه ها نیز مانند ما خانه خود را دوست داشته و همیشه آنرا پاک
نگاه می کنند. چند قدم پیشتر رفتند، اشرف پرنده کوچکی را
دید که با منتظر خود پری را گرفته به شاخه درخت نشست. اشرف
گفت: پدر جان! این پرنده چرا پر را در نول خود گرفته
و آنرا چه می کند؟ پدرش گفت: برای خود آشیانه می سازد.
هر کس بخانه ضرورت دارد. و قتیکه بخانه خود رسیدند، پدر گفت!
اشرف جان! در خانه رسیدی چه حس می کنی؟
اشرف گفت: خوشی پدر! هر کس در خانه خود خوشی

حس می کند . هر کس خانه خود را خوش دارد ، ما هم خانه خود
را دوست داریم . خانه جای راحت ماست .

بیت

هر کسی بست در زمانه خوش	در پی جمع آب و دانه خوش
دیده باشی پرنده را که چنان	مهرورز در آشیانه خوش
هر چه پیدا کند مورچگان	میکشندش به سوی لانه خوش
ما هم از تنه جان و دل کو شیم	پی بهبود وضع خانه خوش
گاه و بیگاه هر گجا باشیم	میرانیم این ترانه خوش

دوست داریم ، همچو جان عزیز

ملک زیبای جاودانه خوش

لغات	معنی	لغات	معنی
منقار	نول	بهبود	بهرتر شدن

همسایه

مردیکه در پهلوی خانه ماتمی مازندگی میکند همسایه گفته بشود
بر بر سلمان لازم است که حقوق همسایه های خود را بشناسد
و به آنها نیکی کند ، اگر با همسایه های خود رفتار خوب
نمایم خداوند ج، از ما خوشش میشود و هم در بین ما محبت و
اتفاق پیدا میشود .

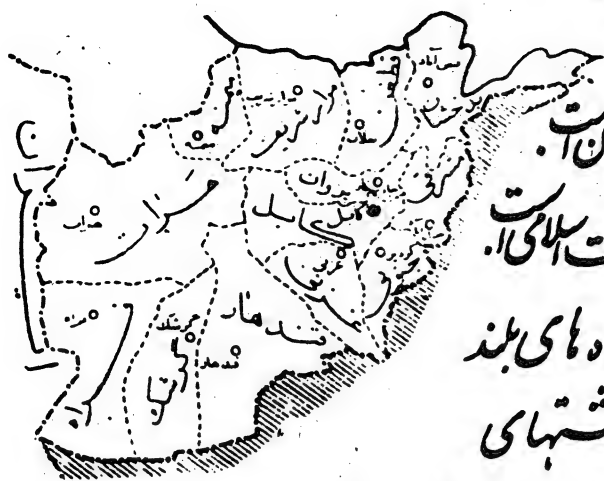
پیغمبر ما حضرت محمد چنین فرموده اند .

همسایه که بخداوند ج، و روز آخرت ایمان دارد ،
به همسایه های خود احسان میکند ، و هیچ وقت به آنها ضرر نمی زند

معنی	لغت
جمع حق	حقوق
نیکی کردن	احسان
دوستی	محبت

مسلم صاحب حقوق همسایه را خوبتر و شاکردان بپندارد و نیکی و رویه خوب با
همسایه آنها را تشویق نماید .

وطن



وطن عزیز ما افغانستان است.

افغانستان یک مملکت اسلامی است.

وطن ما افغانستان کوه های بلند

چشمه های صاف، دشتهای

سرسبز، تپه های قشک و معادن فراوان دارد.

مادر آب و هوای وطن عزیز خود تربیه شدیم، حق آزادی

میچ وقت فراغش نمیکنیم. توانده ایم در وطن عزیز

خود آرزاد و زیر سرق اسلام زندگی میکنیم و در ترقی و

آبادی آن کوشا میباشیم.

آزاد و آباد باد وطن عزیز ما افغانستان

لغات

معنی

معدن با کان با معدن

زیبا

جمع مملکت

از یاد کشیدن

دست

کوشش کننده

باشد.

معدن

قشنگ

مالک

فراموش

عسریز

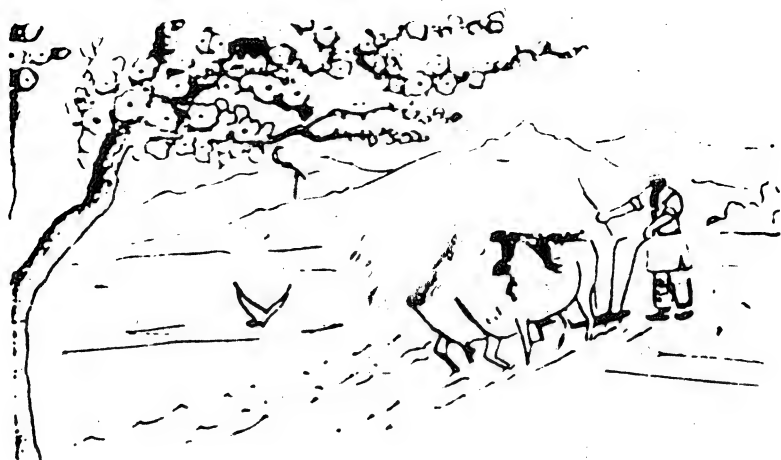
کوشا

بار

شاگردان این شعار «آزاد و آباد باد وطن عزیز افغانستان»

دار و نویس کنند.

فصل چهارم



بهار فصل اول سال است.

درین فصل بهرستدل می باشد.

درختان که در زمستان بی برگ و بی ثمر بودند، به قدرت کامل
خداوند بهر جلد شکوفه می کنند و سرسبز میشوند در دشتها و دانه
های کوه ها گل های رنگارنگ سرسبزند ببلبلان در باغ ها و گلزارها
به آواز خوانی شروع میکنند پرند ه ها آشیانه می سازند.
چوپان ها حیوانات را به چرا می برند. دهباقان بکشت و کار

شروع نمایند.

کوچها از یک جابه جای دیگر میروند.

هوای بهار برای درختان، نباتات و صحت انسان

و حیوان فایده می رساند.

بر شاگردان لازم است که از نعمت های بزرگ خداوند

استفاده نمایند و هر صبح بعد از اداي نماز و تلاوت قرآن

در هوای صاف درس های خود را حفظ کنند.

معنی	لغت	معنی	لغت
فایده گرفتن	استفاده	میوه	ثمر
توانائی	قدرت	برابر	معتدل
		یار	حفظ

معلم صاحب چهار فصل را بقدر فهم شاگردان بیان کند.

آداب غذا خوردن

دین مقدس اسلام آداب زنده گی را به ما یاد میدهد.
برای زنده گی خوبتر ما را راهنمایی میکند. اگر آنها درست عمل
کنیم خوش بخت می شویم. دین ما آداب خوردن و نوشیدن
را برای ما اینطور بیان کرده است:
۱- پیش از خوردن غذا دستهای خود را با آب پاک
بشویم.

۲- در شروع خوردن غذا بسم الله الرحمن الرحیم بگوئیم.

۳- لقمه را باید خورد گرفته خوب بجویم تا بهتر و خوبتر
هضم شوند.

۴- لقمه بی را که از ظرف غذا بگیریم باید از پیش روی خود

بگیریم.
۵- پیش از سیر شدن از خوردن غذا بسنجیم.

۶- غذا را باید داغ نخوریم که به وجود نقص میرساند.

۷- باید غذا را در وقت خوردن پف نکنیم.

۹- بعد از خوردن غذا به گفتن الحمد لله شکر خداوند را بجا آوریم.

معنی	لغت
نان	غذا
پاک	مقدس
صل	بهمضم

معلم صاحب آداب غذا خوردن را برای شاگردان بنمایند.

لطیفه

یک مریض پیش داکتر رفت و برایش گفت :
شکم من درد میکند .
داکتر پرسید : چی خورده یی ؟ مریض گفت :
نان سوخته خورده ام . داکتر به مریض گفت :
بر داول چشم های خود را تداوی کن .

لغت	معنی
لطیفه	مطلب خنده آور
تداوی	دوا دادن

- ۱- معلم صاحب نتیجه لطیفه را به شاگردان خوبتر و واضح سازد .
- ۲- معلم صاحب شاگردان را بیا دگر فتن لطیفه های سودمند تشویق کند .

روش یک مسلمان

یک مسلمان نمازهای خود را به جماعت میخواند، قرآن کریم را تلاوت میکند، همیشه امر خدای را و نه بد را اطاعت میکند، از اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیروی میکند. در اتحاد مسلمانان کوشش میکند. با پشانی باز و شیرین زبانی صحبت میکند، محکس را آزار نمیدهد، در امانت خیانت نمیکند. در هر کار خدای را و نه بد را حاضر میدانند همیشه در حفاظت دین اسلام و ترقی وطن خود کوشش میکند.

معنی	لغت	معنی	لغت
پیروی	اطاعت	نگهداری	حفاظت
با هم گپ زدن	صحبت	ناراستی	خیانت
		خواندن قرآن کریم	تلاوت

معلم صاحب جلد زیر را بالای شاگردان شش و ترمین نماید.
یک مسلمان همیشه در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

کارهای روزمره

سلیم گفت: من یک برادر و یک خواهر دارم. ماه صبح وقت از خواب بیدار می شویم. بعد از وضو من با پدر و برادر خود به مسجد رفته نماز جماعت را ادا میکنم. مادر و خواهرم در خانه نماز میخوانند. بعد یک جاذرا نکریم را تلاوت مینمایم. پس از آن برادرم و پدرم به کارهای زمین داری بطرف زمین ما میروند، خواهرم هم برای مادرم کارهای خانه را انجام میدهند. من به مکتب میروم، مادرم نان پخته میکند، خواهرم ظرفها را میشوید. من بعد از حضرت شدن مکتب آب می آورم و به آنها کمک میکنم. کسانی که در یک خانه زندگی میکنند باید با یکدیگر کمک و همکاری نمایند.

تلاوت	خواندن	نظر	سمعی
بیماری	مکتب کردن	ظرف	سامان بخت و پزندان خوری
معلم صاحب شاگردان را توصیه نمایند که در کارهای خانه بهم کمک کند.			

آزادی

زلمی یک پرنده را در یک قفس زیبا انداخته بود. دانه
های خوب و آب صاف برایش میداد. پرنده دایم ناله
وزاری میکرد. زلمی به ناله وزاری پرنده خوشحالی نمی نمود.
یک روز مای زلمی به خانه شان مهمان بود. زلمی قفس
را پیش مای خود آورد و بسیار خوشی گفت: ماما جان بسین
مرغک من چه خوب سخنوازد. مامایش گفت:
فرزندم! این خواندن نیست، این ناله جدائی از دوستان
است، این پرنده میخواهد که بادیگر پرندهگان به باغها برود
و آزاد زندگی کند. زلمی بعد از شنیدن گفته های مای
خود پرنده را آزاد کرد.

شاکردان جملات زیر را در کتابچه خود نوشته و تکمیل نمایند.
این پرنده میخواهد که بادیگر پرندهگان و آزاد زندگی کند.
زلمی بعد از شنیدن گفته های مای خود را کرد.

تربیه حیوانات

پدر اکرم روزه نگرفندان خود را تربیه و از آنها با خبری
نماید. هر وقت گو سفندان خود را حلف و آب میدهد.
روزه را هر روز به همراه میرد.

یک روز اکرم به پدر خود گفت: پدر جان! چرا گو سفندان
ما نسبت به گو سفندان زلمی چاق هستند؟ پدرش گفت:
پسر من! بمن راجع به تربیه حیوانات در مکتب درس خوانده ام.
تربیه حیوانات و مال داری را خوب میدانم و گو سفندان خود را
خوب تربیه می کنم. زلمی نمیداند که چطور تربیه میشود.
از این سبب گو سفندان او لاغر مانده اند.

ما از حیوانات فایده زیاد میگیریم از پشم آنها قالین،
گلیم و از پوست آنها بوت، چپلی و غیره می سازیم از شیر

آنها است، قروت، روغن، قیاق و غیره تهیه میکنیم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
-------------	------------

سبزه	حلف
------	-----

آماده	تهیه
-------	------

پرسش های ذیل را جواب بنویسید.

۱- از پشم حیوانات چی چیزها ساخته میشود؟

۲- از شیر حیوانات چی چیزها تهیه میشود.

اخلاق نیک

۱- اخلاق نیک عبارت از امانت داری، رستگاری
احترام به بزرگان، شفقت بر کودکان، کمک به ناداران،
وفا به عهد، نرم گویی و غیره کارهای خوب میباشد.
۲- پیغمبر خداوند من و شما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دارای
اخلاق بسیار عالی بودند. به اخلاق نیک خود همه مردم
را دوست خود ساخته بودند.

۳- اخلاق نیک قدر و عزت انسان را زیاد میسازد.
ای برادر گرامی در داری تمام
نرم و شیرین گوی با مردم کلام

معنی
مهربانی
سخن

لغت
شفقت
کلام

معنی
بلند
قول دادن

لغت
عالی
عهد

شاگردان این جملات نامکمل را مکمل نمایند.
۱- پیغمبر خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دارای بودند.
۲- اخلاق خوب می سازد.
شاگردان بیت بالا را دو مرتبه بنویسند.

شاگرد را ستکار

نذیر یک شاگرد کارکن و کوششی است . در دروسهای خود بسیار کوشش می کند . دروسهای خود را به حضور پدر و مادر خود به آواز بلند می خواند و از رهنمایی های معلمان خود در خانه قصه می کند ، فامیلش قصه او را می شنوند و خوش میشوند . نذیر که حالا به صنف دوم درس می خواند روزی به مادر خود گفت :

مادر جان ! معلم ما دیروز گفت شما اطفال و شاگردان باید دارای صفات ذیل باشید :

- هرگاه به پینسل ، قلم یا کتابچه ضرورت پیدا می کنید آزار به والدین خود نگویید تا تهیه نمایند .

- چیزی را که می خرید قیمت اصلی آزار نگویید .

- بدون اجازه از گرفتن مال دیگران خودداری کنید .

- اگر به اجازه پدر و مادر خود به جایی میروید آدرس کامل آنجا را به فامیل خود بدهید .

- هرگاه در وقت خرید چیزی، دکاندار سهواً به شما پول اضافی بدهد آنرا بزودی به صاحبش واپس بدهید .

- اگر کسی از شما آزرده شود فوراً از وی معذرت بخواهید .

- مال امانت را بعد از تشکری، سلامت به صاحبش بسپارید .

- اگر در محلی که حادثه رخ داده باشد و شما در آن محل حاضر بوده

باشید در صورت ضرورت، حقایق واقعه را بیان کنید .

- در هر کار صادق باشید .

معنی	لغت	معنی	لغت
عذ خواهی	معذرت	صفت	صفات
واقعیت	حقایق	پدر و مادر	والدین
واقعه	حادثه	نشانی	آدرس

هر شاگرد به نوبت صفات شاگرد را ستکار را بیان کند .

از شاگردان خواسته شود که جمله دگوشش میکنم که را ستکار باشیم، را پنج مرتبه در کتابچه خود بنویسند .

امانت داری

امانت داری یکی از صفات خوب اسلامی است.
حضرت محمد صلی الله علیه و سلم، در امانت داری خود شهور بودند.
همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را به نام امین یاد میکنند.
پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: کسانی که امانت را خیانت
میکنند ایمان کامل ندارند. شخص امانت دار هر کس اعتماد
دارد، او همه جا قدر و احترام میشود.
هر نفس مسلمان باید امانت دار باشد تا در دنیا و آخرت
کامیاب گردد. درود و سلام باد بر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم
امین و راستکار

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
صفت با	صفات	امانت دار	امین
باور کردن	اعتماد	پوره	کامل

جملات ذیل را مشق و تمرین نمایید.

۱. حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در امانت داری شهوور بودند.

۲. همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را بنام امین یاد میکردند.

۳. کسانی که امانت را خیانت می کنند ایمان کامل ندارند.

۴. هر مسلمان باید امانت دار باشد.

ساعت یافت شده

یک روز اسد بادوست خود قاج برای توپ بازی رفته بود . در میدان مکتب توپ بازی کردند . بعد از توپ بازی به طرف خانه های خود روان شدند .

اسد در نزدیک خانه در کنار جوی دید که یک ساعت افتاده است . از یافتن ساعت خوش شد و آنرا برداشت درین وقت به یادش آمد که مادرش گفته بود : « اگر چیزی یافتی باید صاحبش را پیدا کنی و به او بدهی » اسد اینطرف و آنطرف را دید اما کسی نبود ، اسد خفته شد که صاحب آنرا نیافت ، ساعت را با خود به خانه برده به کاکای خود نشان داد . کاکایش گفت اسد جان ! ما هرگاه چیزی را می یابیم باید صاحب آنرا پیدا کرده برایش سپاریم ، حالا بیا برویم .

از خانه بیرون شدند ، چند قدم دور تر یک نفر را دیدند

که در کنار جوی چیز را می پالید . اسد و کاکایش نزد او فرستند

کاکای اسد گفت : چه را می پالید ؟

او گفت : چند لحظه پیشتر در همین جوی وضو کرده جانب
مسجد رفتم بعد از ادای نماز به یادم آمد که ساعت در کنار جوی فراموشم
شده . من آن را می پالم .

کاکای اسد گفت : چند دقیقه پیش اسد جان ازین راه میگذشت
که در کنار جوی یک قاب ساعت را دیده آنرا برداشته بخانه آورد
و بمن داد تا صاحبش را پیدا کنم ، حالا اگر ساعت از شما باشد
نشانی آنرا بگویید .

صاحب ساعت گفت : رنگ ساعت من سفید و

بند آن چرم سیاه است .

کاکای اسد دید که نشانی های او درست است به صاحبش
گفت ساعت خود را بگیرید . صاحب ساعت از صداقت

وامانت داری اسد و کاکایش بسیار مسرور شده تشکر کرد.
 کاکای اسد از راستکاری اسد خوش شده برایش
 دعای خیر کرد.

لغات	معنی	لغات	معنی
کنار	پهلوی	بِگام	دقت
ادا	بجا آوردن	مسرور	خوش
از شاگردان پرسان شود که اگر مثل این قصه، کدام قصه دیگر یاد داشته باشند، بیان کنند.			
از شاگردان پرسیده شود که اگر شما چیزی را یافت کنید آنرا چه می کنید؟			
شاگردان تشویق شوند تا قصه فوق الذکر را به زبان خود ارائه کنند.			
شاگردان این جمله دهرگاه ما چیزی را پیدا کنیم صاحب آنرا پیدا کرده به او تسلیم نمایم، را به ترتیب در کتابچه خود بنویسند.			

وفا به عهد

خداوند من جمله در قسمت وفا به عهد امر نموده اند: «به عهد وفا کنید پس هر کس نظر به امر خداوند، به عهد خود وفا کند، یزدن پذیرا شده باشد گفت: پسرم! امروز من و تو یکجا به شهر میرسیم. اسد گفت: پدر جان! من برای شریف وعده کرده ام تا بدیدن مامانش که مریض است برویم. اگر برای شما بروم با شریف وعده خلاف می شوم. پدرش گفت: آفرین پسرم، که به عهد خود وفا میکنی.

حضرت محمد بن فرموده اند: یکی از علامت هفت وعده خلافی می باشد. کسانی که وعده خلافی میکنند. صاحب ایمان کامل نباشند هیچکس شخص وعده خلاف نکند و او را دوست ندارد

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
قول دادن	عهد	دوروی	سناقت
		پوره	کامل

معلم صاحب در مورد وفای عهد بزبان ساده بر شاگردان
معلومات بدهد.

جملات ذیل را تکمیل نمایید.

۱- خداوندیج، در قسمت امر نموده اند.

۲- هیچکس اشخاص و عهد خلاف را نداند.

عادات مای خواب

اسد صبح وقت از خواب بیدار میشود. وضو کرده نماز میخواند
بعد از ادای نماز و تلاوت قرآن کریم درس های
خود را تکرار میکند. پس از آن چای می نوشد و ظرف
مکتب روان میشود.

اسد بجه با احتیاط است همیشه در سرک های عریض
از پیاده روی ها میگذرد. اسد دارای اخلاق
نیک بوده راستگو و راستکار است همه در دست
دارند.

معنی	لغت	معنی	لغت
خوی	اخلاق	خواندن قرآن کریم دستی	تلاوت محبت
سوالات:			

۱- شما وقتی از خواب بیدار می شوید چی می کنید؟

۲- وقتی که ظرف مکتب روان می شوید از سرک با چه طور میگذرید؟

مسواک کردن دندانها

دندان یک نعمت بزرگ خداوند است . ماباد دندانها غذا را می جویم و نرم میسازیم . هر قدر که غذا بادندانها خوب جوید شود به همان اندازه لذت غذا در دهن زیاد شده و مضمم آن در معده آسان میشود .

وقتیکه غذا را بلع می کنیم پارچه های خورد غذا در دندانهای ماباقی میماند . اگر این پارچه های غذا بامسواک و یا برس دور نشود پوسیده شده باعث تعفن دهن میگردد و مگروب ها در آن جا نمی گیرند و توسط آب و غذا داخل بدن مانده ما را مریض میسازد برخی از این مگروب ها به خوردن دندان ها شروع کرده دندانها را سیاه و فرسوده (گرمی) میسازند بلاخره سبب درد دندان میشوند . برای اینکه دندانهای ما صحت و سالم باشد باید دندان های خود را در وقت وضو بعد

از صرف غذا مسواک یا برس کنیم . در مسواک کردن دندان ها فایده زیاد موجود است . دندانهای مایک و صفا معلوم میشوند . و من بابوی خوش میدهد ، دندانهای ما دروغی کند ، چنانچه درین مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند :
 « اگر بالای اُمت من سختی نمی آمد امر می کردم که هر سه نماز وضو کنند و در هر وضو دندانهای خود را مسواک نمایند . »

معنی	لغات	معنی	لغات
درست	سالم	خوردن	طع
پیرد	اُمت	بوی بد	تعفن

دندان ما چه وظیفه دارند ؟

فایده برس و مسواک را بیان کنید . معلم حاج گفته های شاگردان را بر روی تخته نوشته بعد از آنرا توسط شاگردان به آواز بلند قرائت کرده و بعد از آن شاگردان میخواهد که نوشته دومی تخته را پس از اصلاحات لازم در کتابچه های خویش بنویسند .

راستی

عابد از نسیم یک قلم را بہ امانت گرفت، نسیم فراموش
 کردہ بود کہ قلم خود را بہ عابد دادہ است۔ روزی
 نسیم در صنف گفت: قلم من گم شدہ است۔ عابد فوراً
 بلند شدہ گفت: قلمت گم نشدہ نزد من میباشد۔
 ہمہ شاگردان بہ عابد آفرین گفتند و از راستی و
 راستگویی عابد خوش شدند۔ عابد ہم بسیار خوش
 شد و با خود عہد کرد کہ ہمیشہ راست بگوید۔
 کسیکہ راستی می کند خداوند جہ از او راضی و بندہ گانش
 او را دوست می دارند۔

آدم راستکار دہر جا بہ نام نیک یاد میشود۔

نیک
خوب

جملات ذیل را در کتابچه های خود یک یک بار بنویسید.

۱- کسیکه راستی میکند خداوند بزرگوار، و بندگانش او را دوست میدارند.

۲- آدم راستکار در هر جا به نام نیک یاد میشود.

آداب سخن گفتن

بر ما لازم است که در سخن گفتن آداب زیر را در نظر داشته باشیم.

- ۱- همیشه در سخن گفتن از نرمی و ملائمت کار بگیریم.
- ۲- در سخن گفتن نه آنقدر آواز خود را بلند کنیم که سبب ناآرامی شوند، نه آنقدر آواز خود را آهسته سخن بزنیم که شنونده نتواند بشنود.
- ۳- در مجلسی که بزرگان و عالمان سخن میزنند، باید بسیار با ادب، آرا کوشش بگیریم.
- ۴- اگر خود، ماکدام وقت سخن میگوییم، اول خوب فکر کنیم و بعد آرا بگوییم.
- ۵- در مجلسی که نفرز یاد باشد، نوبت سخن گفتن را باید - مراعات کنیم.
- ۶- کوشش کنیم که سخنان ما خوب و فایده مند باشد.

۷ - اگر کسی به سخن گفتن مشغول باشد بگذاریم که سخن او تمام شود بعد ما به نوبت خود سخن بگوییم .

دین اسلام مسلمانان را از سخنان بیوده منع نموده است باید ما مسلمانان از سخنان بیجا و بی فایده پرهیز نماییم .

معنی

لغت

نرمی

ملاطبت

در نظر گرفتن

مراعات

کلمات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید .

منع

مجلس

اداب

حکم بر حیوانات

رحم نمودن بر حیوانات بی ضرر یک امر دینی می باشد.
 ما باید بر حیوانات رحم داشته باشیم، حیوانات هم دارای
 جسم و جان هستند، به خوردن و نوشیدن ضرورت
 دارند. گرسنگی و تشنگی را حس میکنند. حیواناتی را که
 تربیه میکنیم باید آنها را به خوبی نگهداری نماییم.
 حیواناتی را که باری برند، باید از توانشان بیشتر
 بار نگیریم، و آنها را الت و کوب نه نماییم. مورچه ها،
 پرندگان و دیگر حشرات و حیوانات بی ضرر را نیز
 آزار ندهیم.

معنی	لغت
در یافت کردن	حس
طاعت	توان

معلم صاحب به شاگردان تاکید نماید که بالای حیوانات ظلم نکنند.

بره گم شده

یکروز نازو و لطیفه از مکتب به سوی خانه می آمدند، نزدیک خانه چشم آن ها به یک بره افتاد. لطیفه گفت: نازو این بره را بین چطور بجع می کند فکر می کنم گم شده است.

نازو گفت: بلی من هم فکر می کنم که گم شده است، بین چطور به طرف هر کس می رود و بجع می کند اما مردم سرگرم کارهای خود هستند و بجع آزار نمی شنوند.

لطیفه گفت: بلی به طرف نانوا، سبزی فروش، میوه فروش و دیگر دکانداران بجع کرد، بین حالا به طرف شاگردان مکتب هم بجع می کند مگر هیچ کسی به آوازش گوش نمیدهد و هر کس سرگرم کار خود است.

لطیفه و نازو دل سوزی کرده به بره گل نزدیک شدند تا به آن محبت ورزند. مگر بره از نزدشان گریخت.

لطیف دوباره به بره نزدیک شده گفت: ای بره گلک
زیبا تو از کجا آمدی؟ لطیف بر پشت بره دست کشید. پس از
آن لطیف و نازو راه خود را پیش گرفتند اما می دیدند که بره از پشت
آنها روان است، نمی دانستند که با بره چه کنند. چند دقیقه بعد
لطیف و نازو بخانه های شان نزدیک شدند، نازو به خانه خود رفت
لطیف بره را دید که باز هم به جمع می کند.

لطیف با خود گفت: این بره گلک گم شده است، شاید گرسنه
هم باشد. لطیف بره را با خود به خانه برد. مادر لطیف بره را دید و پریان
کرد: این بره را از کجا آورده ای؟ صاحب این بره کی خواهد بود؟
لطیف گفت: من هم نمی دانم.

مادر لطیف گفت: بره گلک گرسنه است برو برایش کمی
رشته یار تا سیر شود.

لطیف رشته را آورده برای بره انداخت و بعد برایش آب

درین وقت مادر لطیفه گفت : لطیف جان ! برو از همسایه پرس . شاید این بره از کدام همسایه باشد .

لطیفه بخانه همسایه مارفت و از آنها پرسید : بره شما گم شده است ؟

همسایه ها جواب دادند : فی ، بره ما گم نشده است . لطیفه به خانه آمد و درین فکر بود که صاحب بره را چگونه پیدا کند . درین وقت دروازه حیولی زده شد ، لطیفه رفت تا ببیند که کیست . و تکیه دروازه را باز کرد ، یک بچه کوچی را دید .

لطیفه گفت : برادر جان ، چه می گویی ؟
 بچه کوچی گفت : یک بره ما گم شده ، همسایه تان گفت که در خانه شماست .

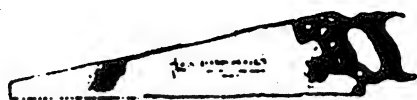
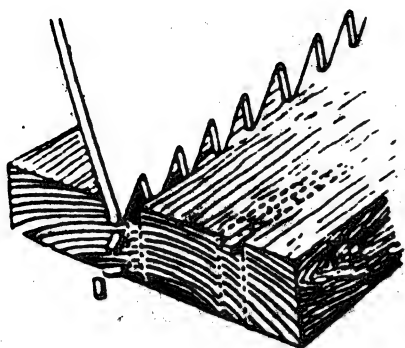
لطیفه گفت : برادر جان همین جا باش ، من یک

دقیقه بعد می آیم .

لطیفه بنحانه رفت و به مادر خود گفت : مادر جان ، یک
بچه کوچی آمده و می گوید که بره اش کم شده است .
مادرش گفت : برو بچه کوچی را بیاور تا بره را ببینند .
دقیقه بچه کوچی به خانه آمد ، بره بطرف او دوید و بجای کرد
لطیفه و مادرش دانستند که بره از بچه کوچی است . بچه
کوچی از بمکاری آنها خوش شده ، بره را با خود برد .

از شاگردان خواسته شود که قصه را بزبان خود بیان کنند .
از شاگردان پرسیده شود که ازین قصه چه یاد گرفتید .

نجاری



نجاری کسب خوب است.
حضرت نوح علیه السلام با استفاده از کسب نجاری کشتی
ساخت و پیروان خود را از خطر غرق شدن در آب
نجات داد.

نجار کارهای خود را به واسطه تیشه، اره، رنده، و غیره
سامان انجام میدهد و به واسطه این سامان میز، چوکی،

دروازه، تخته شش، خط کش و غیره میازد.
 در مکتب ما حرفه بخاری هم است مادر ساعت بخاری
 ساختن میز، چوکی، دروازه و غیره را یاد میگیریم.

لغات معنی

انجام آخر

مرد کسب پیشه

- ۱- اسباب بخاری کدام چیزها اند؟
- ۲- بخار کدام چیزها را میازد؟
- ۳- فواید اسلام با استفاده از کسب بخاری چه ساخت؟

معماری



معماری یک کسب خوب است حضرت ابراهیم علیه السلام، با
فرزند خود حضرت اسماعیل علیه السلام، به امر خداوند چون جدار، کعبه
شریفه را آباد نمودند. معماران برای ماسجد، مکتب، مدرسه
خانه، دکان و غیره تعمیرات را می سازند.
تمام آبادی را که به طسه اف خود می بینیم، از برکت زحمت
معماران است. معمار خوب دارای اخلاق نیک
بوده در کسب و کار خود صادق می باشد.

از معماران راستکار همه مردم خوش میباشند.
 معماران لایق روز به روز کار خود را بهتری سازند.
 هر که کارش از برای حق بود
 کار او پیوسته بار و ثقی بود

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نام خداوند	حق	گلکاری	معماری
زیبایی	رونق	گلکار	معمار
		راستکار	صادق

سوالات:

- ۱ - حضرت ابراهیم (ع)، با پسر خود که نام جای را آباد نمودند؟
- ۲ - معماران برای مردم چه خدمت میکنند؟

تجارت

تجارت یک کسب خوب و حلال است پیغمبر خدا
 حضرت محمد بن هم تجارت کرده اند. تاجران باید در خرید
 و فروش خود دروغ نگویند از انصاف کار بگیرند.
 اگر تاجران به دروغگویی قسم خوری در مال خود فایده
 نمایند، برای شان حرام است.
 اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند بندگان
 در مال شان برکت می اندازد.

معنی	لغت	معنی	لغت
سوداگران	تاجران	سوداگری	تجارت

این جملات را تمییز نموده هر کدام را یکبار تحریر نمایید.

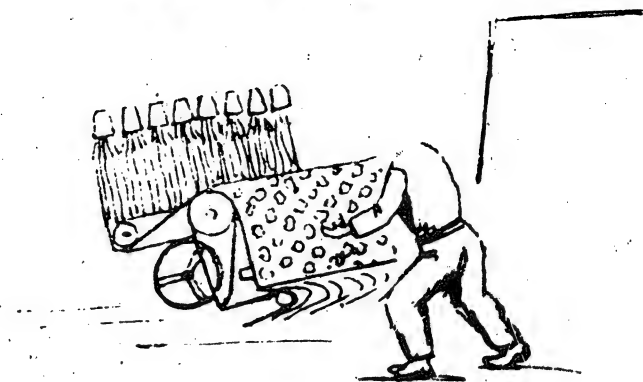
۱- پیغمبر خدا بن جواد حضرت محمد صلی الله علیه و سلم، هم میکردند.

۲- تاجران در خرید و فروش خود نگویند.

۳- اگر تاجران به دروغگویی قسم خوری در مال خود فایده نمایند است.

۴- اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند بندگان در مال شان می اندازد.

بافنده گی



بافنده گی یک کسب خوب است .
 در وطن عزیز ما افغانستان پنبه ، ابریشم و پشم پید
 میشود .

بافنده ها از پنبه تکه های نخ و ابریشم پارچه های شپی
 میسازند . مردم از لباس های شپی در وقت زمستان
 استفاده میکنند از تکه های نخ و در وقت بهار

کار می‌کنند.

بافته ها از برشیم گلیم قالیق و غیره چیزهای بسیار.
قالین و گلیم سمت شمال و غرب وطن عزیز ما
بسیار شهرت دارد.

از ابریشم تکه های نازک و قیمتی مانند لنگی و دستمال
ساخته میشود. پنبه در زمین کشت میشود و ایشم از حیوانات
بدست میآید ابریشم از کرم پیله بدست می آید.
بافته گی صنعت قدیم افغانستان بوده و در بسیار
جاها رواج دارد.

معنی	لغت
به واسطه	توسط
بافته گی	نساجی
هنر پیشه	صنعت

حکایت



ناصر از بازار آهنگری میگذشت. تابستان بود.
 آهنگری را دید که در هوای بسیار گرم در کنار کوره آهنگری
 مشغول کار بوده، عرق از سر و رویش میچکید، ناصر با او
 گفت: چرا درین هوای گرم کار میکنی و خود را تکلیف
 میدهی؟ آهنگر گفت: برادرم! اگر من درین حال
 بمیرم، در حال اطاعت خدا رنجه، و عبادت او از
 دنیا میروم.

انسان باید زحمت بکشد تا محتاج نشود و بتواند روزی
حلال بدست آورد.

پس این کار و کوشش در حقیقت اطاعت از امر
خداوند است نه مال دوستی و دنیا دوستی.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
-------------	------------

گوشه	کنار
------	------

فرمان برداری	اطاعت
--------------	-------

صاحب آبرو و عزت	آبرو مند
-----------------	----------

شاگردان خدایه طلب عنوان فوق از زبان خود طور قصه
بیان کنند.

بزرگ چینی

در یکی از روزهای زمستان که برف میبارید . نازوب
اسد و رازق گفت : امروز بیرون نمی رویم که ترمی شویم . فردا
که آفتاب شدیک آدمک برفی قشنگ می سازیم . حالا بیایید که
برای تان قصه بزرگ چینی را بگویم .
اسد گفت : بسیار خوب ، امروز بیرون نمی رویم و
قصه بزرگ چینی را می شنویم .



ناز و به گفتن قصه شروع کرد.

بودن بود یک بزک چینی بود. این بزک چینی سه چوپه داشت.

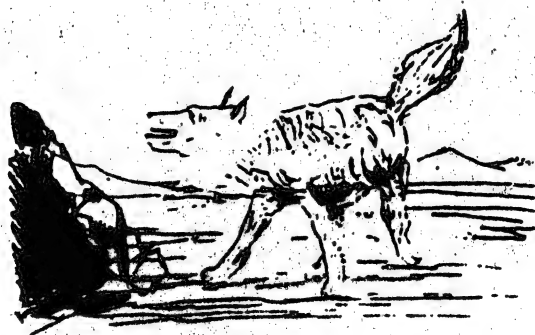
نام چوپه هایش انگک. بنگک و کلوه سنگک بود. هر صبح که بزک چینی برای خریدن می رفت به چوپه هایش می گفت چوپه های قشکم، من میروم. تا آمدن من دروازه را برای هیچ کس باز نکند.

چوپه های گفتند بسیار خوب.

هر شام وقتی که بزک چینی از چراگاه پس می آمد دروازه را می زد. چوپه هایش می گفتند، کیست که دروازه را میزند؟ بزک چینی می گفت: چوپه های قشکم من انگک و کلوه سنگک، دروازه را برای مادر تان باز کنید. چوپه هایش پس از شنیدن صدای مادر، با خوشی بطرف دروازه می دویدند و آنرا باز می کردند.

یک روز صبح، یک گرگ در نزدیکی خانه بزرگ چینی
 می‌گشت. و تکیه بزرگ چینی از خانه بیرون رفت. گرگ
 آمد و دروازه را زد.

چوچه‌های بزرگ چینی گفتند، کیست که دروازه را میزند؟
 گرگ صدای خود را مثل صدای بزرگ چینی ساخت و
 گفت: چوچه‌های تشنگ من، انگک، بنگک و کلوله بنگک



دروازه را برای مادر تان باز کنید.
 چوپای بزرگ چینی که آواز مادر خود را بی وقت
 شنیدند، حیران ماندند.
 گرگ باز هم صدا کرد. چوپای فکر کردند که مادرشان است
 دروازه را باز کردند.

گرگ به داخل خانه خیز زد. انگ و بنگ را
 راقصت کرد. کلاه بنگ در پشت یک سنگ پت شد.



دیگر که بزک چینی از چراگاه آمد دروازه رازد، مگر
صدای چوپه هایش را نشید. باز دروازه رازد.

کلوله سنگ که بسیار تریده بود دپت شده بود نزدیک
دروازه آمد و پرسان کرد، کیت که دروازه را می زند؟

بزک چینی جواب داد، چوپه های تشنگ من انگک
بشک و کلوله سنگ دروازه را برای مادرمان باز کنید.



کلوه سنگ با ترس دلزد دروازه را باز کرد . و تکیه
 بزرگ چینی بداخل خانه آمد انگک و سنگ را ندید . از
 کلوه سنگ پرسان کرد که انگک و سنگ چه شد ؟ کلوه سنگ جواب داد
 بعد از رفتن شما ، چیزی آمد و آنها را قرت کرد .

بزرگ چینی بسیار پریشان شد . زود از خانه برآمد مگر
 حیران بود که چه کند و کجا برود . چند دقیقه بعد با قبر و پریشانی



بطرف خانه روباہ رفت و سر بام خانه روباہ خیز زد .
 روباہ از درون خانه صدا کرد :
 کیست سر بامت لرزانتک من ،
 خاک می ریزاند در اشکت مہمانک من ،
 آشکت مہمانک مرا شور کردی ،
 چشم مہمانک مرا کور کردی .
 بزک پھنی جواب داد .



من استم بزرگ چینی ،
دو شاخ دارم بالای بینی ،
کی خورده انگشت من ؟
کی خورده انگشت من ؟
کی می آید به جنگ من ؟

رو باه جواب داد .

نخورده ام انگشت تو ،

نخورده ام انگشت تو ،

نمیایم به جنگ تو ،

بعد از آن بزرگ چینی به خانه های شیر و پلنگ رفت و

پرساں کرد . آنها هم جواب دادند که چوچه هایش را نخورده اند .

پس از آن بزرگ چینی بطرف خانه گرگ رفت و سر

بامش خیز زد .

گرگ از داخل خانہ صدا کرد .
 کیست سر بامک لرزانک من ؟
 خاک می ریزاند در آشک مہمانک من .
 آشک مہمانک مرا شور کردی .
 چشم مہمانک مرا کور کردی ،
 بزک چینی جواب داد .
 من استم بزک چینی ،
 دو شاخ دارم بالای بینی ،
 کی خورده انگک من ،
 کی خورده بنگک من ،
 کی میاید بہ جنگک من ،
 گرگ گفت :



من خورده ام انگک تو

من خورده ام جنگ تو .

من میام به جنگ تو .

فردا صبح بزک چینی بایک کوزه شیر پیش آهنگر رفت
و گفت : این شیر را بگیر و شاخ های مرا خوب تیز کن .

آهنگر شیر را گرفت و شاخ هایش را خوب تیز کرد .
پس آنترگزک یک کوزه از خاک پر کرد و برای آهنگر برد
گفت : این شیر را بگیر و دندان هایم را تیز کن .

آهنگر دید که گرگ کوزه را از خاک پر کرده است و شب
در آن نیست ، قهر شد ، همه دندانهای گرگ را کشید و در جای
دندان هایش پخته ماند .

روز دیگر بزک چینی و گرگ به میدان جنگ رفتند
گرگ صدا کرد " اول تو شروع کن " بزک چینی گفت " فی
تو اول شروع میکنم " .

گرگ پس رفت و پیش آمد و بطرف بزک چینی خیزد
بسیار کوشش کرد که او را بخورد، مگر تکه های پخته از جای
دندانهایش افتاد و چیزی از دستش نیامد.

پس از آن بزک چینی به طرف گرگ دوید و با شاخهای
تیز خود به شکم گرگ زد. شکم گرگ پاره شد و گرگ بر زمین افتاد.
انگ و بنگ از شکم پاره شده گرگ بیرون آمدند. بزک
چینی و چوپه مالیش با خوشی بخانه رفتند.

اسد و رازق از شنیدن این قصه بسیار خوش شدند.
فردا که آفتاب شد و هوا خوب بود، هر سه شان یک آدمک
برفی قشنگ ساختند و آن روز را به خوشی تیر کردند.

دُعا

یا الهی به حرمت محمد مصطفیٰ سردار انبیا
و نور الهدایا اما اطفال مسلمان و افغان را با نور
علم و معرفت منور گردان تا در پرتو آن در محیط
خانواده ، بهمسایه و همه مردم خود با روحیه اتفاق
دوستی و برادری حیات مشرور و پر بار و برکت را
به پیش بریم . وطن عزیز خود را آباد کرده انواع اسباب
راحت و فلاح بهموطنان خویش را فراهم سازیم .

آمین یا رب العالمین .